

راهنمای توپچی فریبکار

یا

هنر تیز دادن

برای هدایت ییوست مندان
نوشته کنت ترومپت
طیب برس هورس

سالوادور دالی

ترجمه دکتر محمدرضا اصلانی

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۹

فهرست مطالب

مقدمه نه

سراغاز ۱

فصل اول ۴

در تعریف کلی تیز

فصل دوم ۱۰

در تمایز انواع تیز، به ویژه تمایز تیز و آروغ،
و نمایش کامل تعریف تیز

فصل سوم ۱۴

انواع تیز

فصل چهارم ۲۳

توضیح فیزیکی تیزهای دوگانه بر اساس شامه خوب.
تجزیه و تحلیل آن

۲۷ فصل پنجم

اندوهان و شوربختی‌های حاصل از تیز دوگانه.
داستان تیزی که موجب فرار شیطان شد و او
را به جنون کشاند. خانه‌هایی که به وسیله
تیزهای دوگانه از شیاطین خالی شد.
چند دلیل و اصل بدیهی

۳۲ فصل ششم

تیز کم‌بانگ یا کوچک

۳۶ فصل هفتم

پرسشی موسیقایی. یک جفت خوانی بی‌همتا.
وسیله هوشمندانه‌ای که ناشنوایان را به
شنیدن کنسرت قادر می‌سازد

۴۲ فصل هشتم

تیزهای بی‌صدا که به غلط خزنده خاموش نامیده
می‌شوند.
تشخیص و پیش‌بینی

۴۵ فصل نهم

تیزها و خزندگان حساب شده و تصادفی

۴۷ فصل دهم

برخی تأثیرات تیز و خزندگان خاموش.
سودمندی ویژه آنها

۵۳ فصل یازدهم

تیز برای جامعه سودمند است

۶۱ فصل دوازدهم

شیوه‌های کتمان کردن تیز که سودمند به حال کسانی
است که بر تعصب خود اصرار می‌ورزند.

۶۶ فصل سیزدهم

نشانه‌های تیز قریب الوقوع

۶۸ فصل چهاردهم

شیوه‌ها و روش‌های برانگیختن تیز. مسأله.
ماده‌ای شیمیایی.
عرق تیز به عنوان داروی کک و مک. نتیجه.

فصل اول

در تعریف کلی تیز

تیز که در زبان یونانی آن را Pordé و در زبان لاتین Crepitus ventris، و در زبان ساکسون اولیه Partin یا Furtin؛ در زبان آلمانی علیا Fartzen و در زبان فرانسه pet [و به عربی ضِرطه و حَبَقَه - م.] گویند، مرکب از بادی است که گاه با صدا و گاه با قَرَّاقِرِی خفیف و بی آن که فرد قادر به مهار آن باشد برون می‌جهد. و اما هستند نویسندگانی کوتاه‌بین و چندان سبکسر که در نهایت حماقت و تکبُر و لجاجت - و علی‌رغم لغتنامه کالپینو^۱ و تمام لغتنامه‌های دیگری که تألیف شده یا خواهند شد - بر این اصرار می‌ورزند که تیز چنانچه به درستی درک گردد (یعنی در معنی واقعی کلمه) تنها باید به آن چیزی گفته شود که با صدا برون

۱. Calepin؛ آمبروجو کالپینو (۱۵۱۰ - ۱۴۴۰)؛ فرهنگ‌نویس ایتالیایی و مؤلف فرهنگ زبان لاتین. - م.

جهد؛ و بنای استدلال خود را بر این بیت از شعر هوراس^۱ می‌نهند که از تیز معنایی به‌غایت ناقص ارائه می‌دهد:
 با چنان صدای گوش‌خراشی تیزیدم که گویی انبانه‌ای ترکید^۲.

ولی کیست که نتواند دید در این بیت، هوراس واژه *pedere*، به معنی تیزیدن را در معنای عام آن استعمال کرده است؟ کیست که نتواند دید او از برای آن‌که نشان دهد واژه *pedere* به صدایی رسا اشاره دارد، ناگزیر بوده است زحمت این تقریر را بر خود هموار سازد که در این بیت مراد او آن تیزی است که با صدایی گوش‌آزار برون آید؟

سنت - اورموند^۳، آن فیلسوف خوش‌مشرّب درباره تیز استنباطی بس متفاوت از عوام داشت. به گفته او تیزیدن همانا آه کشیدن است؛ و روزی هنگامی که در حضور معشوقه‌اش تیزید خطاب به او چنین سرود:

۱. Horace؛ کوینتوس هوراتیوس فلاکوس (۸ - ۶۵ قبل از میلاد)؛ شاعر غنائی پر آوازه روم باستان. - م.

2. Nam displosa sonat quantum vesica pepedi

۳. Saint-Évremond؛ شارل دو مارگیل دو سن دُنی دو سنت - اورموند (۱۶۱۴ - ۱۷۰۳) نویسنده و منتقد فرانسوی که جلای وطن کرد و تا پایان عمر در لندن اقامت گزید. - م.

دلِ غرقه در غم و اندوهم
 چندان مالا مال از آه و افسوس بود
 که به دیدن روی دژم تو
 یکی از آن آه‌ها
 که پروای آن داشت کز دهانم برون شود
 از مسیری دگر ره خروج گرفت

پس، به‌طور کلی تیز مشتمل است بر باد محبوس در قولون^۱ که به گفتهٔ اطباء ناشی از سرریز شدن شیرهٔ نیم‌گرم معدی است که گرمایی ملایم آن را رقیق کرده باعث شده است بی‌آن‌که انحلال پذیرد، جاری گردد؛ و یا به گفتهٔ روستاییان و عوام‌الناس، تیز نتیجهٔ عمل بعضی مواد یا غذاهای نفاخ و بادانگیز است. همچنین تیز را می‌توان هوای متراکمی تعریف کرد که در جست‌وجوی مَفَرِّ از بخش‌های داخلی بدن بگذرد و سرانجام چون راه خروجی بیابد — که ادب مرا از بیان نامش منع می‌کند — برون بجهد.

اما در اینجا قصد هیچ‌گونه پرده‌پوشی نداریم؛ فلذا می‌گوییم که این موجود، همراه با انفجار یا بدون همراهی آن، از طریق

۱. بخش انتهایی رودهٔ بزرگ. — م.

تیزدان^۱ ساطع می‌شود. گاه طبیعت آن را به سهولت بیرون می‌راند و گاه باید هنر را به یاری طبیعت تولید تا آنچه مایه مسرت خاطر و غالباً حتی مایه وجد است، به سهولت قدم در عرصه وجود نهد. همین است که زمینه‌ساز این ضرب‌المثل شده است که:

چو خواهد که در دهر پاید، سلامت زید
هتک را بیاید گذارد که باد در دهد

اما اجازه دهید به تعریف خود بازگردیم و ثابت کنیم که این تعریف با معتبرترین قوانین فلسفه مطابقت دارد زیرا جنس و خواص و خصوصیات ممیّزه آن را در برمی‌گیرد.^۲

۱. این تعریف مشتمل است بر تمام خاستگاه‌ها و انواع تیز که یکایک بدان‌ها خواهیم پرداخت.

۲. از آنجا که تیز به‌عنوان «جنس» منحصر به فرد است، هیچ تردیدی در آن نیست که در خاستگاه دور از بروز خود نیز منحصر به فرد است — و مراد از خاستگاه آن چیزی است که مولّد باد است و عمدتاً همانا شیرۀ معدی و غذایی است که صورت محلول به خود نگرفته است. اجازه دهید قبل از آن‌که در انواع گوناگون تیز کند و کاو کنیم، همین را به تفصیل بررسییم.

۱. تیزدان: مقعد - لغتنامهٔ دهخدا - م.

2. quia nempe constat genere, materia et differentia